قال امیر المومنین من کتب هذه الحروف علی کفنه یکون قادرا علی [illegible]

ح دح لا اان لا ااح

مملنات

حکیم محمد احمد [illegible]

2733

۲۷۳۲

GIFT

یا فتاح

1-12-64

ربّ یسّر وتمّم بالخیر

بسم الله الرحمن الرحیم

هو الله احد الله الذی [illegible] حقیقت بیچون بیچگون که از دایره دریافت و احاطه [illegible] برتر است و الفکر ادراک کنند [illegible]

انوار تجلیات شیونات و فنون تعینات [illegible] بحدیث عز شانه که انا [illegible] کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف

خود بخود از [illegible] لا یتغیر با جلوه ظهور فرمود و [illegible] وصورت [illegible] آینه معانی [illegible] ولقد [illegible] کاملان

علی کل شیء قدیر هر فردیت [illegible] افراد ممکنات را بتجلی خاص الخاص متجلی [illegible] مخصوص [illegible] و بحکم [illegible] الله نور السموات

والارض هر ذره [illegible] ذرات [illegible] بمعانی خاص که حقایق اشیا عبارت از آنست بخلعت اسما مخلع گردانیده

و هر اسمی را مخصوص بصفتی و هر صفتی را منسوب باسمی کرده [illegible] نقطه موسوم [illegible] را [illegible] شیونات منقوط و [illegible] حروف

و صحیفه را بقلم و قلم را [illegible] از نهاد معنوی نوشت [illegible] عدم بعالم عینی آورد و [illegible] هزاران اسرار بدیع و

نقوش غریبه بموجب ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن بکاف کن مخصوص داشته سرگرم ایجاد و تقدیر گردانیده و [illegible] کلیات

عناصر و [illegible] جزئیات موالید ثلثه سرانجام ظهور [illegible] واجب الوجودی استظهار [illegible] تا [illegible]

نمای [illegible] روحانی از [illegible] لوح و قلم مراد [illegible] ن والقلم وما یسطرون پرده از روی

کار [illegible] لوح [illegible] قلم و حقیقت اول ما خلق الله القلم [illegible]

بحقایق [illegible] امکانی [illegible] بواحد [illegible] بعبارت چون و چرا [illegible] صور [illegible]

داد تا [illegible] صورت [illegible] در میان [illegible] وسبب واسطه صنعت [illegible] واحد [illegible]

که [illegible] بوضوح پیوست [illegible] لازم امتزاج اعتدال مزاج حقیقت و مجاز [illegible] علم ظهور [illegible]

باد و [illegible] جلوه حیوان [illegible] نفخت فیه من روحی احوال [illegible] افعال اشیا [illegible] اثبات دعوی [illegible]

[illegible] السمیع العلیم [illegible]

[illegible] والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لا یخرج الا نکدا [illegible] اسما [illegible]

[illegible] از حیوان [illegible] گشت [illegible] اعتدال حقیقی [illegible] نبات [illegible]

ظهور [illegible] حضرت محمدی [illegible] جمیع [illegible]

نطق حالی [illegible] صلی الله علیه وآله وسلم [illegible] تجلیات [illegible]

جمیع [illegible] و اشیا [illegible] بتجلیات [illegible] صورت [illegible]

[illegible] تجلیات باشد [illegible] واحد و [illegible]

وحدت [illegible]

[illegible]

لا التجزی

Inst. of Hist. of Med. & Med. Res. Library New Delhi

حکیم محمد [illegible]

تبسمات نتوان که به آغاز و انجام [illegible] کتابی و انتهای اقلیمی پیرایت [illegible] سال جلو کمینت مانوس ابجد ازین [illegible]
آباد ابد آباد [illegible] مصاحف نجوم کرده اند و در پیرایش لب لب آن لوبسان حدایق سخن ازین گو باشد از خوانیه
سنبل [illegible] وجه است وجوب آن شد که بند بود و ستاری [illegible] ستاری [illegible] مصدر امری گو تا
منظور زمره [illegible] لب ابنیط عز و علا [illegible] کامیابی [illegible] تبع مادرانی فضلا است گشته ملحوظ الطاف
الهی پایان و معطوف اعطاف بیحد و کران گردد با اینهمه بیحدانی و تمام نادانی بتمهید سخن را بعلم موروثی خود که حکمت جدید
موصوف است آشنا یافته سر رشته سخن بدست آورد سرقدی گرفته بحوالی من دامن من گشته گریبان من [illegible]
که [illegible] بدایع والعقه با نجذاب طبایع والکتب بصنایع است و ابراز خواص اشیا منوط بالنم موقوف [illegible]
فی علم طب محتاج اند بدریافتن اسمای اشیا و دوا بر تمونی خرد و الادویه است تتبع اصطلاح اصطلاحات فرهنگ و لغات
اطبا وفور با اختلاط و التسوران زبان دان [illegible] فن همت کثیر البضاعت در تحضیرات آن کمان است تا در تحقیق لغت
ادویه نموده که در کتابست شتی بلغت یونانی و تازی و رومی و اندلسی و عجمی و سریانی و بربری و ترکی و فارسی
و هندی در جسته مهما امکن دریافت و آنی نموده السنه مصطلح مشهور را بحدت معانی سنجیده و الفاظ متعارفه را بمعانی متنوعه
انتیام [illegible] ابجدی معینه تالیف نمود و بسه بالفاظ ادویه تاریخ انجام نگارش آیین سر الفت کرد اینده طولی

تالیف

دار و کتابست [illegible] بینید الفاظ ادویه و منقسم است بمقدمه و نتیجه و خاتمه مقدمه مشتمل است
بر چهار فایده فایده اول در بیان علامات و تصحیح اعراب فایده دوم در بیان علامات زبان ها بار
فایده سیوم در تحقیق طبایع و درجات آن و علاماتی که مخصوص است بان و ذکر مجملی از [illegible] و قوت
فایده چهارم در بیان مختار و شربت و مصطلح قبل دوا و علامات آن نتیجه در ذکر الفاظ ادویه مرتب و بیان علامات
آن خاتمه در بیان ادویه [illegible] المنفخة در کتب قدما [illegible] ذکر آنها چون بازهر و مومیایی و چوب چینی
و چینی و قهوه و تنباکو امید از [illegible] رسان این فن آنست که اگر سهوی و خطایی یابند بقلم الطاف اصلاح
نمایند و بالله التوفیق و به المستعان مقدمه مشتمل است بر چهار فایده فایده اول در بیان علامات و تصحیح اعراب
پوشیده نماند که در تحقیق اعراب لغات تتبع صحاح الادویه این مولف اختیارات بدیعی و برخی از جاها
[illegible] لغات و کتب معتبره لغت تازی و فرهنگهای پارسی بند کرده هر جا اشاره باول مرود مراد از حرف نخستین لفظ
است و از ثانی حرف دوم که منصوب است بنخستین و هرجا بمهمله اشاره برو مراد از آن حرف بایست
و بفوقانی اشاره بحرف تا و مثلثه ایما بثا و تحتانی عبارت از یا است و معجمه بیان حرف نقطه دار و مهمله
تفسیر حروف بی نقطه فایده دوم در بیان علامات اصطلاح و زبان مردم بار و سرزمین [illegible] از عربی ح

احوال علامات
حروف [illegible]

زمین گرفته تا اوج چرخ برین :: یک نقطه هزار قسم می بینم من :: سبحانه و تعالی عما یقولون علوا کبیرا از حکیم ای عزیز بد تا بد برده او گر دا [illegible]
باید :: نظر پاک اینچنین بیند :: تا زمین جمله تا زمین بیند :: زهی شرافت فضل و کمال و حبذا رفعت مقام و جلال صاحب لواء
لولاک لما خلقت الافلاک که بمفتاح و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین سبب گشادگی عقود ختم الله علی قلوبهم
و علی سمعهم و علی ابصارهم [illegible] و مقصود ای کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین شرف امینه [illegible] و علم آدم الاسماء کلها با آدم
[illegible] ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین [illegible] فصوص و اصناف [illegible] البیوتات
بناها [illegible] بعد احصای تفاصیل [illegible] مجمل کتابی بدست آورد [illegible] قدرت تا [illegible]
[illegible] و ما محمد الا رسول شرف بذکر انشق القمر و عصی خبر از پرتو [illegible] صفت [illegible]
[illegible] از لطافت کلام معجز نظام [illegible] احکام آیات [illegible] رسول الله البلاغ
انطماس آثار و بینات ملل [illegible] واقف اسرار آن رازدار [illegible] و از شرافت تام کرامت
صورت [illegible] در عالم ظاهر علم باطن [illegible] سرایر انبیا [illegible]
بیت او که کریمه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا الطهارت [illegible] و مودت اهل
قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی [illegible] منصوص سرمایه نجات [illegible] مخصوص اند و منطوق
وثیقه غوایت و محبت عترت او [illegible] ذی القربی [illegible] الیشان [illegible] وادی ضلالت و
ضلالت جهالت و [illegible] چون صیت [illegible] رسالت و طنطنه جلالت [illegible] سرگشتگان بادیه
محمد و آله اجمعین و آوازه اکرام و اوصاف صحبه واجب التبجیل و الاجلال [illegible] صلی الله علیه
[illegible] صورت [illegible] ضلالت و بیابان اختلاف [illegible] هدایت و [illegible] سالکان مراحل [illegible]
رسیده رضی الله عنهم اجمعین [illegible] رعایت ادب و پاس [illegible] طبع [illegible]
[illegible] برخی از ثنا گستری خدیو کشور جهانبانی [illegible] البیان کرده [illegible] اطیعوا
امره [illegible] و رسوم [illegible] اسلاف [illegible] شد حمد الله [illegible] اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی
اوان گیتی خداوند کشورستان [illegible] نجوم سپهر سلطنت و کام کاری منبع رسوم [illegible] اولی الامر
[illegible] جاه کیوان بارگاه [illegible] سعادت [illegible] صولت [illegible] و شرافت آفتاب [illegible] سکندر
[illegible] خلافت منزلت سلیمان مرتبت عالم عامل [illegible] خسرو کیهان [illegible] جهان آرای عدالت پیرای
[illegible] ظل الله ابو المظفر شهاب الدین محمد [illegible] صاحبقران الثانی [illegible] متابعت
نبوی و اطاعت [illegible] مصطفوی [illegible] علم دولت و ارشاد [illegible] رشد [illegible] افراشت [illegible]
[illegible] تحقیق [illegible] و صاحب [illegible] معتقدان صادق [illegible] و موافق [illegible] مطابق [illegible] اسلام و احکام [illegible]
موافق [illegible] کلام [illegible] حال [illegible] فتنه و آشوب حوادث [illegible] و در معموره خراب آباد صوری [illegible]
که جمهور انام از خواص و عام با اختلاف [illegible] و اتفاق در [illegible] امن و [illegible] امان [illegible] الحال و فارغ البال [illegible] شگفته خاطر
[illegible] سبیل [illegible] تمام دارد [illegible] خدایا تو این شاه درویش دوست [illegible] خلق [illegible] دوست
[illegible] بر سر خلق پاینده دار [illegible] بتوفیق طاعت دلش زنده دار [illegible] برومند دارش درخت امید [illegible] سبز [illegible] رحمت
[illegible] خادم الاطبا [illegible] نیازمند درگاه [illegible] الدین محمد عبدالله حکیم عین الملک شیرازی [illegible] عنهم
[illegible] از آبا و امهات [illegible] خانه زادی [illegible] عقیدت [illegible] نیوشی [illegible]

آرای

عوام

[illegible]